

بیکار صفین. نوشته نصر بن مزاحم منقری. ترجمه پرویز اتابکی. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. بیست و چهار + ۸۲۰ ص. خرداد ۱۳۶۶.

ترجمه منابع مرتبط با تاریخ و فرهنگ اسلام و ایران به زبان فارسی کاری سودمندست، بخصوص که تا حمله مغول اکثر متون تاریخی ما به زبان عربی است و استفاده از آنها برای همگان میسر نیست. بنابراین همان گونه که کوشش مترجمان تاریخ طبری و تفسیر طبری و رفیع الدین اسحق همدانی، مترجم سیره رسول الله، و مؤید الدین محمد خوارزمی، مترجم احیاء علوم الدین، و ناصح بن ظفر جر فادقانی مترجم تاریخ یمنی و مترجمان رساله قشیریّه و ابوالعالی نصرالله، مترجم کلیله و دمنه، و احمد بن محمد منوفی (یا: مستوفی) هر وی، مترجم فتوح ابن اعثم کوفی و نیز مترجم سیرت جلال الدین مینکبرنی و بسیاری دیگر از قدما از جهات گوناگون مفید تواند بود، اهتمام برخی فضلاء معاصر نیز در این زمینه یاد کردنی و مشکورست، نظیر کارشادروانان محمد پروین گنابادی، ابوالقاسم پاینده، دکتر محمد ابراهیم آیتی، صادق نشأت و سیدحسین خدیوچم در ترجمه مقدمه ابن خلدون، متن کامل تاریخ طبری، مروج الذهب، التنبيه و الاشراف مسعودی، تاریخ یعقوبی، البلدان، اخبار الطوال، مفاتیح العلوم، احصاء العلوم، جبر و مقابله خوارزمی و انبساط المیاه الخفیه محمد بن حسن حاسب کرجی و زحمات آقایان احمد آرام، اکبر دانا سرشت، دکتر جعفر شعار، محمد علی نجاتی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، عبدالمحمد آیتی، دکتر محمود مهدوی دامغانی، دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، محمد علی تاج پور و حشمة الله ریاضی در ترجمه تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن، الآثار الباقیة ابوریحان، صورة الارض ابن حوقل، معالم القرية فی احکام الحسبة از ابن اخوة، عجائب المقدور فی اخبار تیموز ابن عربشاه، البدء و التاریخ مطهر بن طاهر مقدسی، رسوم دارالخلافه اثر هلال بن محسن صابی، تقویم البلدان ابوالفداء، مغازی تألیف واقدی، اخبار ایران از تاریخ الکامل ابن اثیر، تاریخ مختصر الدول ابن عبری و امثال اینها. در سال جاری نیز ترجمه فارسی کتابی مهم از این گونه انتشار یافته است که، با همه تفصیل، به موضوعی محدود و معین اختصاص دارد و اینک بنده بعنوان خواننده ای عادی، نه صاحب نظر، مختصری درباره آن می نویسم.

ابوالفضل نصر بن مزاحم بن سیار منقری، مؤلف کتاب وقعة صفین (م. ۲۱۲ ه.ق.) مورخ شیعی مذهب بوده که او را حق گزار شمرده اند (ص ۴). از این رو ابن ابی الحدید و دیگران

جنگ صفین، واقعه ای مهم در تاریخ اسلام

دکتر غلامحسین یوسفی



رسیده - انجام پذیرفته است. این نکته نیز یادکردنی است که پیش از این دو ترجمه فارسی دیگر از این کتاب نشر یافته بوده است: یکی به نام *سندس و استیرق* (از شیخ محمد مهدی مسجد شاهی، اصفهان، ۱۳۴۵ هـ. ق. چاپ سنگی، ۲۱۸ ص.)، دیگری با عنوان *واقعۀ صفین در تاریخ* (ترجمه کریم زمانی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۶۴، ۲۱۷ ص.) آقای اتابکی، مترجم بیکار صفین، در این مورد نوشته است: «متأسفانه هر دو ترجمه (بسبب حذف اسانید و انصراف از ترجمه بخشهای عمده‌ای از نثر و تمام یا بسیاری از اشعار و رجزهای این متن معتبر پانصد و هفده صفحه‌ای که همه در صلب موضوع است) ناقص بنظر می‌رسند، برای حفظ اعتبار مرجعیت و اصالت و کمال این کتاب تاریخی و ادبی کلیه اسانید و سلسله‌راویان و تمام اشعار و رجزها بر همان سیاق متن و بی حذف کلمه‌ای... ترجمه شده است.» بنابراین خواننده فارسی زبان با در دست داشتن چاپ اخیر در بیش از هشتصد صفحه، متن کامل کتاب را پیش روی دارد.

فهرست مشروح مندرجات کتاب نمودار وسعت دامنه مطالب آن است که آغاز می‌شود با ورود علی (ع) به کوفه (رجب سال ۳۶ هـ.) و خطبه وی، و بر روی هم شامل هشت بخش عمده است از این قرار: بخش اول: پیامها، گفتگوها و نامه‌ها؛ آغاز داستان عمرو بن عاص (ص ۱۱ تا ۱۰۱)، بخش دوم: رایزنیها و چاره‌جوییها (۱۰۳ تا ۱۸۰)، بخش سوم: بسیج، حرکت، درگیری و اعلان جنگ (۱۸۱ تا ۲۸۶)، بخش چهارم: بیکار اصلی و دلاوریها (۲۸۷ تا ۳۸۴)، بخش پنجم: شدت بیکار و لحظات خطرناک (۳۸۵ تا ۴۸۰)، بخش ششم: درگیراگیر نبرد (۴۸۱ تا ۵۷۴)، بخش هفتم: پیروزی سپاه علی (ع) (۵۷۵ تا ۶۸۲)، بخش هشتم: داوری: نیرنگ عمرو بن عاص، داستان داوران، بازگشت علی (ع) از صفین به کوفه (۶۸۳ تا ۷۷۴).

کتاب بیکار صفین فقط گزارش وقایع نیست بلکه حاوی موجبات بروز تدریجی هر واقعه، گفتگوها، مکاتبات، پیامها، مشورتها، مذاکرات خصوصی، خطبه‌ها، برخوردها و بسیاری نکات دیگرست. بعلاوه اسناد هر روایت نیز مذکورست و این خصائص کتاب را خواندنی و پرفایده کرده است، ازان جمله: گفتگوی جریر با معاویه و ابلاغ پیام حضرت علی (ع) و پاسخ معاویه (ص ۴۸ تا ۵۳)، قرار و مدار معاویه و عمرو عاص بر سر حکومت مصر (۶۴ و ۶۵)، نامه مهم علی (ع) به معاویه و اظهار نظر در مورد خلافت (۱۲۵ تا ۱۲۹)، رایزنی علی (ع) با مهاجران و انصار پیش از لشکرکشی به شام (۱۳۰ تا ۱۳۳)، مختار گذاشتن علی (ع) اشخاص را در راهی که می‌خواستند اختیار کنند (۱۶۲)، نظر علی (ع) در باب پرداخت خونیهای آرید فزاری از

از او نقل قول کرده‌اند. وی آثاری متعدّد نگاشته که بیشتر جنبه تاریخی داشته است و ازان همه همین يك کتاب، متعلق به يك هزار و دوست سال پیش در باب واقعه‌ای مهم در تاریخ اسلام، از او بجای مانده که اینك ترجمه فارسی کامل آن در دسترس ماست. جنگ صفین، چنان که مشهورست، در ماه صفر سال ۳۷ هـ. بین علی بن ابی طالب (ع) پس از رسیدن به خلافت و معاویه، در صفین: موضعی نزدیک رقه بر ساحل فرات، روی داد. تعداد سپاهیان دو طرف و نیز شمار کشته شدگان را در مصافها و زد و خوردهای فراوانی که در طی يك صدوده روز روی داد، جمعی بسیار نوشته‌اند. اما کتاب منظور فقط شرح حوادث جنگ نیست بلکه متضمن فواید متعدّدست.

در باب واقعه صفین مورخان قدیم نظیر ابو مخنف لوط بن یحیی (م. پیش از ۱۷۰ هـ. ق.)، محمد بن عمر واقدی (م. ۲۰۷ هـ. ق.)، محمد بن جریر طبری (م. ۳۱۰ هـ. ق.) اثری خاص تألیف کرده یا شرحی مفصل نگاشته‌اند. اما کتاب نصر بن مزاحم قدیم‌ترین و مشروح‌ترین آنهاست که باقی است.

متن عربی کتاب را عبدالسلام محمد هارون، بر اساس نسخه چاپ سنگی ایران (۱۳۰۱ هـ. ق.) و نیز با استفاده از منقولات ابن ابی الحدید از این کتاب در شرح نهج البلاغه و مراجعه به منابع مربوط، تصحیح کرده و بر آن یادداشت‌های فراوان و سودمندی افزوده و در سال ۱۳۶۵ هـ. ق. در اسکندریه بطبع رسانده و چاپ دوم آن هم در مصر به سال ۱۳۸۲ هـ. ق. صورت گرفته است. چاپ ملخصی از طبع نخستین نیز قبلاً از چاپخانه عباسیه بیروت در سال ۱۳۴۰ هـ. ق. انتشار یافته بود. برای خواننده علاقه‌مند این تصور پیش می‌آید که لابد هیچ نسخه‌ای خطی از متن کتاب باقی نمانده بوده که مصحح فاضل ناگزیر شده است چاپ سنگی مذکور را - که به قول خود او «تحریف و تصحیف و زیاده و نقصان در آن راه یافته است» - اساس کار خود قرار دهد. و نیز این سؤال مطرح است که آیا همان چاپ سنگی ایران بر چه اساسی بوده و مصحح در دست یابی به نسخه‌های خطی اصیل چه مراحل را پیموده است؟ در هر حال ترجمه فارسی کتاب از روی چاپ دوم متن مصحح عبدالسلام محمد هارون - که به سال ۱۴۰۳ هـ. ق. در ایران بصورت افست بطبع

بیت المال (۱۳۳ و ۱۳۴)، بازداشتن علی (ع) حجر بن عدی و عمرو بن حقیق را از دشنام گویی به شامیان (۱۴۴ و ۱۴۵)، رفتار علی (ع) با دهقانان انبار (۱۹۹ و ۲۰۰)، نمازگزاردن امیر مؤمنان بزرگراهب مقتول در پیکار صفین و طلب آمرزش از برای او (۲۰۴ و ۲۰۵)، با این شیوه که مؤلف سخنان و نامه‌های برخی مخالفان از جمله متن پاسخ معاویه و عمرو عاص را به علی (ع) نیز نقل می‌کند هم انصاف و اعتدال بخرج داده و هم کتاب خود را مستند و معتبر کرده است، علی‌رغم نظر کسانی مانند عقلی و ابوحاتم که در حدیثش اضطراب دیده‌اند (۴). عبدالسلام محمد هارون نیز بر کنار بودن مؤلف را از گرایشهای تعصب آمیز، جز در پاره‌ای موارد ناچیز و ناگزیر، تصریح کرده است (۴).

علاوه بر اینها دستورها و رهنمودهای حضرت علی (ع) که در موارد گوناگون آمده پرمغز و درخور توجه خاص است، از آن جمله است آنچه به عاملان خراج در چگونگی رفتار با مردم نگاشته، و نکاتی که به فرماندهان لشکر خویش سفارش فرموده است (۱۷۴ و ۱۷۵). نامه علی (ع) به دو تن از سرداران، زیاد بن نضر و شریح بن هانی، در چگونگی تعبیه لشکر و مراقبتهای لازم نیز حاوی دقایق بسیارست (۱۷۲ تا ۱۷۴).

مطالب درخور توجه بخصوص از نظر تاریخی در جایی جای این کتاب فراوان است و خواننده علاقه‌مند باید خود با حوصله آن را در مطالعه گیرد و در هر باب تأمل کند. از آن جمله است چگونگی جنگ و موضوع داوری و امثال آن که خود بحثی دراز دامن است و در این جا مجال شرح آن نیست. بر روی هم در خلال صفحات کتاب و فصول مشروح و منصفانه آن، خواننده بتدریج به این نتیجه می‌رسد که هر چه در رفتار و گفتار حضرت علی (ع)، در زمینه‌های مختلف، ایمان استوار و حق پرستی و صداقت و بزرگواری دیده می‌شود از جانب معاویه و همگامان او حجب جاه و مکتت و خنده‌ها و بندوبستهای پوشیده و آشکار صورت می‌گیرد.

*

بدیهی است ترجمه کتابی چنین مفصل و سرشار از اشارات و نکته‌ها و شعرها کاری دشوارست که مترجم برعهده گرفته است. بعلاوه افزون بر متن، ترجمه توضیحات فراوان و دقیق مصحح هم قسمتی دیگر از کار بوده است و نیز یادداشتهای بسیاری که مترجم فاضل به اقتضای مقام بمنظور روشنگری از طرف خود در حاشیه بقلم آورده است. وی در یادداشت کوتاه و متواضعانه خویش نوشته است: «بسیب کهن بودن متن و سبک آن ناگزیر اسلوب ترجمه نیز رنگ شیوه کهن پذیرفته است، اما نه بدان حد که از زبان امروز چندان بیگانه باشد.» تأمل در ترجمه فارسی کتاب نشان می‌دهد که مترجم محترم در این مقصود توفیق یافته است و نیز حاکی است از حسن انشاء و قوت تعبیر وی و نثر فصیح

و استوارش. مقایسه برخی صفحات از متن عربی کتاب^۲ با ترجمه فارسی آن، بصیرت مترجم را در زبان عربی و فارسی و نیز دقت و امانت و مهارت وی را در کار خویش بر نویسنده این سطور هر چه بیشتر آشکار ساخت، ازان جمله است: نامه علی بن ابی طالب (ع) به معاویه (ص ۲۹ و ۳۰ عربی = ص ۴۸ تا ۵۰ فارسی)، خطبه علی (ع) در دعوت به جهاد (۱۱۲ و ۱۱۳ = ص ۱۵۸ و ۱۵۹ ف)، نامه محمد بن ابی بکر به معاویه و نامه معاویه به او (۱۱۸ تا ۱۲۱ ع = ۱۶۵ تا ۱۶۹ ف)، نامه علی (ع) به زیاد بن نضر و شریح بن هانی (۱۲۳ تا ۱۲۵ ع = ۱۷۲ تا ۱۷۴ ف)، نامه علی (ع) به فرماندهان سپاه (۱۲۵ ع = ۱۷۴ و ۱۷۵ ف)، خطبه اشتر در قنصرین (۲۳۸ و ۲۳۹ ع = ۳۲۶ و ۳۲۷ ف)، خطبه ذی الکلاع در قنصرین (۲۳۹ تا ۲۴۱ ع = ۳۲۷ تا ۳۳۰ ف)، خطبه یزید بن اسد بجلی برای شامیان (۲۴۱ و ۲۴۲ ع = ۳۳۰ تا ۳۳۲ ف)، خطبه دیگری از اشتر (۲۵۰ تا ۲۵۲ ع = ۳۴۲ تا ۳۴۴ ف)، خطبه عتبیه بن جویریه (۲۶۳ و ۲۶۴ ع = ۳۶۰ و ۳۶۱ ف)، عمار یاسر و مرد باینش (۳۲۰ تا ۳۲۲ ع = ۴۳۹ تا ۴۴۱ ف).

در مورد اشعار، مترجم علاوه بر ترجمه کامل آنها برای بدست دادن نمونه و وزن و قافیة شعر مطلع هر قطعه را به عربی نیز نقل کرده است.

بر روی هم ترجمه کتاب علاوه بر دقت از روانی و گیرایی بهره‌ورست. تعیین طرز تلفظ و ضبط برخی اسامی خاص کاری بجا و سودمند بوده است و اگر در دیگر موارد لازم نیز ملحوظ می‌شد موجب مزید فایده بود. این کاری است که در نشر این گونه متون لازم است و نمونه خوب و کامل آن سیرت رسول الله، ترجمه و انشای رفیع الدین اسحق بن محمد همدانی، به تصحیح آقای دکتر اصغر مهدوی است.

چاپ پیکار صفین نیز با استفاده از حروف متفاوت و متناسب برای متن و ترجمه اشعار و سلسله روایات و عنوانهای اصلی و فرعی و یادداشتهای، حاکی از بصیرت و حسن سلیقه متصدیان مربوط و ناشرست و می‌توان گفت از این جهات چاپ ترجمه فارسی بر طبع عربی آن ترجیح دارد و دلپذیرترست.

در مرور اجمالی برخی نکات بسیار جزئی به نظر قاصر بنده رسید که شاید در خور توجه باشد: در ترجمه «کان علیه کریم» (۵)

نیست برخی از مهمترین آنها یاد می شود:

ص ۱۳ / س ۱۷: شصت و سوم / سی و ششم، درست است.
ص ۲۴/۵۴: ونیه / دینه. ص ۲۴/۵۹: لحظاً / لحظاً. ص ۱/۹۸،
۲۲: جمق، به کسر حا و سکون میم / جمق، به فتح حا و کسر میم.
ص ۲۳/۱۷۱: استخاف / استخفاف. ص ۹/۲۰۹: رقة / رقة.
ص ۲۲/۲۲۸: جین / حین. ص ۲/۲۵۵: رنگ / درنگ. ص
۱۴/۲۷۹: حصرمی / حضرمی. ص ۱۲/۲۹۳: (امام) حسن
(علیه السلام) / حسن (بصری). ص ۱/۲۹۴: (امام) حسن
/ حسن. ص ۴/۲۹۷: غظامه / عظامه. ص ۱۸/۲۹۹: امام حسن
(علیه السلام) / حسن. ص ۲۲/۳۰۹: ججدر/ججدر. ص
۲۱/۳۴۹: تیر گاهها / خر گاهها. ص ۲۰/۳۹۶: فی حجلة / فی
جمله. ص ۲۳/۴۶۶: طانجه / طابنجه. ص ۲۳/۴۷۲: گفته عمر /
گفته عمرو. ص ۲۳/۵۰۴: جند / جند. عنوان انگلیسی / ۴:
Nasr b. Mozahem / Nasr. ebn-e Mozahem. س ۷: into/in to.

کوشش فراوان و کار پرارزشی که مترجم دانشمند انجام داده
است در خور تحسین است. امید آن که کتابهای سودمند دیگری
به همت ایشان به فارسی درآید و انتشار یابد و همگان از آنها
بهره مند گردند.

اصولاً ترجمه کتابهای لازم در رشته های گوناگون معارف
بشری، از جمله در زمینه تاریخ و فرهنگ و ادب، از زبانهای
مختلف یکی از نیازهای مهم جامعه ماست که تا مدت ها ادامه خواهد
یافت و بجاست که این کار با برنامه ای وسیع و همه جانبه و پیش
بینی شده صورت گیرد تا بتدریج نیازهای علمی و فرهنگی ما در
این باب رفع شود. بدیهی است توجه بیشتر به فن مهم ترجمه در
دانشگاهها و دانشکده های ادبیات و علوم انسانی و تربیت
مترجمان کارآمد و تشویق مترجمان شایسته و ورزیده و فراهم
آوردن و سائل کار و نشر آثار آنان و برخورداری از تجارب
ارجمند ایشان نیز قسمتی از این برنامه گسترده و دراز دامن
خواهد بود.

(۱) شماره های میان دو هلال مربوط است به صفحات کتاب بیکار صفتن.
(۲) چاپ دوم، قاهره، ۱۳۸۲ هـ. ق.
(۳) رك: مجتبی مینوی، تصحیح کلیله و دمنه، تهران، ۱۳۴۳، ص ۱۴/۳۵ ج: قطع
بزرگ کتاب، «اصلاح غلظها»، ص «كب»: غلامحسین یوسفی، تصحیح قابوس
نامه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۴، ص ۲۹۰.

G. Lazard, *La Langue des plus anciens monuments de la prose persane*, Paris, 1963, p. 243, § 275.

(۴) رك: گلستان، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، ۱۳۱۶، ص ۲۸.
(۵) رك: تاریخنامه طبری، گردانیده منسوب به بلعمی، به تصحیح و تحشیه محمد
روشن، تهران، ۱۳۶۶، ۱/۳۶۰، ۳۹۱.
(۶) از جمله، رك: تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، دانشگاه مشهد،
۱۳۵۶، ص ۵۵۲، ۶۲۸، ۷۵۹، ۸۸۲، ۸۸۴.

(ع) آورده اند: «بر او گشاده دست بود» (۱۸)، شاید «نسبت به او
سخواستند بود» مناسب تر و خالی از ابهام نیز باشد. «همگنان»
جمع «همگن» است بمعنی همه؛ همگنان یعنی همگان.^۳ مترجم آن
را بمعنی شرکاء و همتایان و همکاران بکار برده است (۱۰۹) و
محل تأمل است. «از هیچ کوششی فروگذار (یا: فروگذاری)
نکنند» از «... فروگذار نباشند» (۱۳۰) بهترست. افزودگی کلمه
«موج وار» در همان صفحه ضروری نمی نماید. در ترجمه «جمع
من تری من الناس شیعتك» (ع۹۵): «همه این مردم که می بینی
طرفدار تو اند»، از: «تمامی مردمی را که می بینی همه طرفدار
تو اند» (۱۳۴) مناسب ترست. وقتی مفعول جمله پیرو، فاعل و
مسنداً لیه جمله اصلی است آوردن «را» پس ازان لزومی ندارد.
ضبط صحیح مصراع دوم بیت سعدی - که در صفحه ۲/۱۴۹ ح
نقل شده - به این صورت است: «و گرش زرندهی سر بنهد در
عالم^۴ (نه: در بازار). بجای «از تبهکاران تملق می گویند» (۱۶۳)،
«به تبهکاران...» فصیح ترست.

برخی تعبیرات نیز در ترجمه متعلق به امروزست و رنگ تجدید
دارد و از منظور مترجم محترم در هم آهنگی نثر با زمان تألیف کتاب
کمی دور می نماید، از این قبیل است: «فروگاه ابلیس» (۱۴۹) در
ترجمه «مهبط الشيطان» (ع۱۰۶). شاید بتوان گفت:
فرو آمدن گاه، جای فرود، منزلگاه، «فرماندهان ارتش» (۱۵۰)
در ترجمه «امراء الجنود» (ع۱۰۷). امیران سپاه نیز مناسب است،
«پیشکاران مالیات» (۱۵۱) در ترجمه «امراء الخراج» (ع۱۰۸).
می توان گفت: عاملان خراج، «طلایه داری» بجای «مقدمه»
(ع۱۲۲) - که خود در صفحه ۱۷۱ بکار برده اند - از «پیشتازان»
(۱۷۲، ۱۸۴) متناسب ترست. بعلاوه اصطلاح «مقدمه» لشکر در
متون فارسی، از جمله در ترجمه تاریخ طبری^۵ و تاریخ بیهقی^۶
بسیار بکار رفته است.

چاپ عربی کتاب فهرستهای متعدد داشته (ص ۵۶۳ تا ۶۸۸)
و در ترجمه فارسی به فهرست اعلام، فهرست جایها، رویدادها،
فهرست تیره ها، طوایف و قبایل اکتفا شده است. این فهرستها در
بعضی موارد محتاج بررسی مجددست.

با همه سعی که در صفحه آرایی و جهات فنی کتاب بکار رفته
اغلاطی چایی در آن راه یافته است و چون غلطنامه ای همراه آن